

بررسی وضعیت دستمزد زنان شاغل و طرح دورکاری - ۲

میزگرد کانون مدافعان حقوق کار با شرکت مینو مرتاضی لنگرودی، هاله صفرزاده، ناهید کشاورز و الهام هومین فر



کانون مدافعان حقوق کارگر:

اشتغال زنان در صورتی می تواند به افزایش استقلال اقتصادی آنها یاری رساند، که تحت شرایطی عادلانه و انسانی باشد. دستمزد مساوی در قبال کار مساوی، یکی از اولین پیش شرط های تامین این شرایط عادلانه و انسانی است. اما متأسفانه میانگین سطح دستمزد زنان نسبت به مردان در همه کشورها پایین تر است. در ایران نیز، با وجود اینکه در قانون کار به برابری دستمزد زن و مرد اشاره شده است، اما به دلایل مختلف، دستمزد زنان به مراتب پایین تر از مردان است. علاوه بر عوامل اجتماعی موثر بر وضعیت اشتغال زنان، طرح ها و برنامه های سیاسی نیز تاثیر به

سزایی بر ساختار جنسیتی بازار کار دارند. طرح "دورکاری" - با اولویت زنان- از جمله طرح هایی است که اخیراً توسط دولت به اجرا درآمده و موجب نگرانی بسیاری از کارشناسان و فعالان حوزه مسائل زنان شده است. در همین ارتباط، در میزگردی با حضور مرضیه مرتاضی لنگرودی، از مادران صلح و فعال ملی مذهبی؛ هاله صفرزاده، از کانون مدافعان حقوق کارگر؛ ناهید کشاورز، مدافع حقوق زنان؛ و الهام هومین فر، پژوهشگر مسائل اجتماعی؛ علل و پیامدهای تفاوت دستمزد زنان و مردان در بازار کار و همچنین تاثیرات طرح دورکاری بر زندگی زنان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مشروح گفتگوهای انجام شده در این میزگرد، در دو قسمت تنظیم شده است. پیشتر، مباحث قسمت نخست در وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر منتشر گردید. اینک، مطالب قسمت دوم که متمرکز بر عوارض طرح دورکاری است ارائه می شود:

کاوه مظفری: خب، تا اینجا بیشتر درباره وضعیت عمومی دستمزد زنان در ایران و علل و پیامدهای تبعیض دستمزدی از نظر جنسیتی صحبت شد حالا به طور خاص نظر شما درباره اهداف و منافع طراحان ه پروژه دورکار کردن زنان چیست؟

هاله صفرزاده: ابتدا به این نکته اشاره کنم که ما نمی توانیم طرح دورکاری را به تنهایی و به صورت انزاعی مورد بحث قرار دهیم و روند کلی سرمایه داری را در سال های اخیر در نظر نداشته باشیم. به عقیده من طرح «دورکاری» در راستای کوچک سازی و تکه تکه کردن نیروی کار اجتماعی است. دورکاری هم یک ترفند برای کاهش دستمزدهاست. اولین قشری که برنامه دارند تا شامل طرح دورکاری بشوند کارمندان رسمی هستند. پس دولت می خواهد خودش را از شر پرداخت مزایایی مانند مرخصی، حق نهار و غیره رها کند. در واقع، دورکاری به نوعی با «کارمزدی» معنا پیدا می کند. یعنی به تدریج دیگر حقوق ثابت ماهیانه از بین می رود و نیروی کار بر مبنای میزان کاری که انجام می دهد، دستمزد دریافت خواهد کرد. همانطور که گفتیم این ترفند یکی از روش های کاهش دستمزد است. یعنی ممکن است در ابتدا مدعی شوند که دستمزد و مزایا تغییر نمی کند اما دورکاری به مرور به این سمت خواهد رفت که مزایا حذف شود و دستمزدها هم کاهش پیدا کند. وقتی کارمندی حقوق ماهیانه دریافت می کند در واقع برای چهار تعطیلی جمعه که جز کارش محسوب می شود دستمزد دریافت می کند. تعطیلات رسمی هم همین طور، عیدی و پاداش و غیره. همچنین بابت ۳۰ روز برای حقوق بگیر حق بیمه پرداخت می شود. در مرحله اول، کارکنانی که وارد طرح دورکاری می شوند حقوق و مزایای قبلی خود را دریافت می کنند، اما در ادامه طرح وقتی که حقوق ماهیانه به کارمزدی تبدیل شود عملاً دستمزدها کاهش خواهد یافت. دورکاری یا کار در خانه سال ها است که دارد انجام می شود به طور خاص در اقتصاد غیررسمی. حالا بخش رسمی و دولتی نیز با فراگیری از بخش زیرزمینی می خواهد همین کار را برای کاهش هزینه هایش انجام دهد. جالب است که یکی از راهکارهایی که برای رفع بیکاری زنان توسط مشاوران وزارت کار ارائه شده، افزایش تولیدات خانگی است. این طور

استدلال می کنند که مثلاً در چین ۳۴ درصد تولید به صورت خانگی انجام می شود بنابراین ما هم اگر به این سمت برویم بیکاری زنان را می توانیم کاهش دهیم.

مینو مرتضی لنگرودی: در مورد دورکاری من باز هم اشاره می کنم که وقتی دولت بزرگترین کارفرما باشد، می توانیم بدبین باشیم به اینکه حتماً غرض و مرضی در این طرح موجود است. ولی اصولاً دورکاری برای زنان در بسیاری از کشورهای توسعه یافته کارکرد دارد مثلاً می تواند فضاهایی را برای اشتغال زنان فراهم کند، همچنین می تواند باعث گسترش دسترسی زنان به فرصت های متنوع شغلی بشود. همچنین می تواند زنان را از خشونت موجود در محیط کار دور نگه دارد. در واقع برخی زنان که به دلایل فرهنگی نمی توانند زیاد در محیط اجتماعی باشند به تدریج می توانند در برخی فعالیت ها مشارکت داشته باشند.

اما دورکاری پیش نیاز و پایه اولیه اش مثبتی است بر دولت الکترونیک و دموکراتیک. یعنی تا وقتی دولتی دموکرات نباشد، نمی توان به آینده و اهداف چنین طرحی خوش بین بود. شرط اولیه موفقیت چنین طرح هایی این است که اعتماد متقابل بین دولت و مردم برقرار باشد. اما در ایران در چهار سطح اعتماد مخدوش است. دولت به ملت اعتماد ندارد، ملت به دولت اعتماد ندارد، دولت به دولت اعتماد ندارد و ملت هم به ملت بی اعتماد است. در چنین وضعیتی بی اعتمادی گسترده، اساساً طرح دورکاری معلوم نیست با چه هدفی ارائه شده است؟ مگر اینکه همان طور که خانم صفرزاده گفت یک ترفندی باشد برای به حاشیه راندن زنان از عرصه اجتماعی. اگر چنین قصدی در بین باشد آن وقت معایبش خیلی بیشتر از محاسنش خواهد بود.

از طرفی در جامعه ای که نگرش عمومی به «کار» و حتی کلماتی که با پسوند یا پیشوند کار باشد، تحقیرآمیز است و از زیر کار در رفتن یک نوع زرنگی محسوب می شود، در جامعه ای که اکثریت طالب موقعیت های آکاذیون اند و در جامعه ای که فرهنگ کار در آن چنان پس رفته که بر اساس آمارهای جهانی در رتبه سوم تنبلی در جهان قرار گرفته است و در فرهنگ غلطی که در دوران نوجوانی پیدا کرده که کار کردن را ارزشمند نمی داند، مثلاً مادر به فرزندش می گوید: اگر درس نخوانی «عمله» می شوی. در فرهنگی که انگار درس خواندن به قصد کار نکردن صورت می گیرد و فرهنگ یقه سفیدی مبتنی بر پشت میز نشینی در آن رواج پیدا می کند، وقتی در کنار اقتصاد تک پایه و غیر مولد با ویژگی دلال صفتی و طرح های زود بازده قرار بگیرد، دورکاری اعم از اینکه زنانه و یا مردانه باشد دردی از دردهای مزمن این ملت و به خصوص زنان ایرانی را دوا نخواهد کرد.

درباره زیرساخت های تکنولوژیک هم که از پیش نیازهای اصلی دورکاری است جای بحث بسیار است. وقتی سرعت اینترنت در ایران به عمد پایین نگه داشته می شود و شبکه فیلترینگ گسترده عملاً اینترنت را بسیار محدود کرده است. و در روزهایی از سال کلاً شبکه قطع است چطور می شود دورکاری را اجرایی کرد؟ یک معضل دیگر فرهنگ پدرسالار است. مجسم کنید که زن و مرد هر دو دورکار شوند و در خانه بمانند، تقسیم کار خانگی چطور می شود؟ آیا هر دو علاوه بر دورکاری در کار منزل هم فعالیت می کنند؟ طبیعی است که زن دچار استثمار مضاعف می شود. یعنی از زن انتظار می رود که کارهای خانه را در اولویت قرار دهد و کار خودش را به تعویق بیاندازد. در واقع، تفکر دولتمردان درباره کار زنان هم به همین نحو است. یعنی کار زنان را جانبی و به عنوان کمک هزینه می بینند نه درآمد اصلی خانوار.

کاوه مظفری: حالا، فرضاً اگر بدبینی به دولت وجود نداشت و در شرایط دموکراتیک بودیم، زیرساخت های الکترونیک هم مناسب بود، آیا آنوقت دورکاری آن هم ویژه زنان، طرح خوبی می بود؟

الهام هومین فر: خود دولت مدعی است که دورکاری طرحی برای صرفه جویی اقتصادی است؛ منتها از جیب نیروی کار و از اعتبار نیروی کار. اگر اینطور استدلال کنیم که دورکاری خوب است چرا که باعث می شود زنان از خشونت اجتماعی دور بمانند، به نظرم داریم همان کاری را می کنیم که نظام پدرسالاری از اول می خواسته یعنی تبعید زنان به عرصه خصوصی و حذف آنها از عرصه عمومی. با توجه به شرایط ایران، هر طرحی که درباره زنان مطرح می شود مورد تردید است، تجربه نشان داده که حمایتی از حقوق زنان وجود ندارد. پس وقتی می گویند که طرح دورکاری با اولویت زنان است حتماً یک خوابی برای زنان دیده اند. شاید نتیجه این مساله آن باشد که زنان از جایگاهی که در نتیجه چندین دهه تلاش به دست آورده اند دوباره به عقب برگردانند.

با خانمی که به تازگی دورکار شده بود صحبت می کردم، می گفت که اولاً دورکاری باید اختیاری باشد نه اجباری و ناگهانی. ثانیاً برای فقط چند روز در هفته باشد نه تمام آن. اما علاوه بر همه این ها نگران بود که دورکاری به مرور زمان به بیکاری وی منجر شود. یعنی همان بی اعتمادی که صحبت شد نسبت به چنین طرح هایی وجود دارد.

همانطور که گفتیم بدنه دولت خیلی بزرگ و فریه شده و به دلیل اینکه تسهیل دار بوده، این بدنه تبدیل شده است و دیگر به صرفه نیست. حالا دولت می خواهد این بدنه را کوچکتر و تعدیل کند. اما در این میان اتفاقی درد رخ می دهد این است که دولت بیشترین فشارش را به بخشی از نیروی کار وارد می کند که از همه ضعیف تر است، یعنی زنان. با این استدلال که برای زنان بهتر هم هست چون نقش های خانگی شان واجب است.

خب، چنین طرحی عوارض ناگواری برای زنان دارد. در جامعه ای که همواره زنان در جایگاه پایین تری قرار دارند و فرصت های شغلی برای کسی که دورکاری می کند مسلماً کمتر می شود نتیجه اش می شود عدم ارتقا شغلی زنان. این در حالی است که زنان از نظر توسعه انسانی روند رو به رشدی دارند و ۶۰ درصد دانشجویان در حال حاضر دختر هستند و تحصیلات عالی در بین زنان رواج یافته است. چنین طرحی مسلماً تهدیدی برای توسعه انسانی زنان خواهد بود. مورد دیگر اینکه، با وجود حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی به نسبت گذشته، هنوز در عرصه خصوصی به دلیل ساختارهای مردسالارانه جامعه، تقسیم کارخانگی تغییر نکرده است. هنوز کار خانگی وظیفه زن تلقی می شود. خب مسلم است که در نتیجه دورکاری، فشار کارخانگی بر زنان مجدداً تشدید می شود؛ چراکه فضای کار زنان با فضای خانه تداخل پیدا می کند. قبلاً زنان برای کار وارد حوزه عمومی می شدند و هویت کسب می کردند. اما اگر زنان دوباره به خانه برگردند این هویت اجتماعی نیز از بین خواهد رفت. آن هم در جامعه ای که همه رسانه هایش نقش های سنتی زنان را تبلیغ می کند. وقتی فضای عمومی هم از زنان گرفته شود دیگر مجالی برای نقش ها و هویت های جدید باقی نمی ماند. نکته مهم دیگری که در نتیجه دورکاری اتفاق می افتد - و البته محدود به جنسیت هم نیست - تضعیف شبکه های اجتماعی میان همکاران و در واقع نیروی کار است. مثلاً اگر کارفرمایی بخواهد صد نفر از پرسنلش را اخراج کند، واکنش نیروی کاری که دورکار شده با نیروی کاری که در یک فضای مشترک کار می کنند، خیلی تفاوت خواهد داشت. همچنین اتحادیه های کارگری که در شرایط ایران شکل گرفته اند معمولاً مردانه بوده اند. اما اگر زنان وارد اتحادیه ها بشوند به دلیل آنکه سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به مردان دارند، می توانند اتحادیه ها را کارآمدتر و منسجم تر بکنند. اما با طرح دورکاری چنین فرصت و امکانی هم از تشکل ها سلب می شود. در کل من فکر می کنم که طرح دورکاری به دلیل اینکه شبکه روابط اجتماعی و فضای حضور و مشارکت عمومی را از زنان می گیرد، نمی تواند طرح خوبی برای شرایط جامعه ما باشد.

ناهید کشاورز: قبل از اینکه به بحث دورکاری اشاره کنم، یک چالشی در مورد بحث تنبلی دارم. چرا وقتی از همین ایران، افراد به کشورهای غربی مهاجرت می کنند، جزء موفقترین آدم ها می شوند؟ مثلاً نسبت به دیگر مهاجران سطح درآمدشان بیشتر می شود یا حتی موقعیت های اجتماعی بهتری به دست می آورند؟ اما وقتی همین آدم ها در ایران هستند فکر می کنیم که تنبل هستند و راندمان ندارند. در واقع، به نظرم شرایط و ساختار اجتماعی است که باعث می شود افراد بتوانند توانایی های خود را نشان بدهند.

اما در مورد دورکاری، یافته های تحقیقی که در کبک کانادا انجام شده، نشان داده که ۶۰ درصد کسانی که دورکار هستند درآمدها سالانه کمتر از ۱۴ هزار دلار بوده که یعنی یک درآمد بخور و نمیر. این میزان به نسبت شرایط کانادا درآمد خیلی پایینی است. همچنین در همین تحقیق اشاره شده که دورکاری حتی در کانادا که وضعیت شاخص های جنسیتی نسبتاً خوبی دارد، باعث شده که بین اشتغال زنان در بیرون از خانه با کارخانگی شان تداخل ایجاد شود. یعنی در آنجا هم هنوز کارخانگی عمدتاً بر عهده زنان است. ما در بهترین شرایط ایران، ۱۴ درصد نرخ اشتغال زنان داشته ایم حالا دولت همین ۱۴ درصد را هم نمی تواند در عرصه عمومی تحمل کند و می خواهد دورکار شوند؟

در دهه هفتاد میلادی، یک از شعارهای جنبش زنان، شعار «شخصی، سیاسی است» بود. منظور این بود که خشونت داخل خانواده، صرفاً موضوعی خصوصی نیست، بلکه مربوط به همه جامعه است و دولت باید قوانینی برای مداخله در خشونت خانگی وضع کند. حالا اگر با طرح دورکاری زنان را بفرستیم داخل خانه، با فرض اینکه از خشونت در محیط کار رها می شوند، چه ضمانتی وجود دارد که از خشونت در خانه آسیب نبینند؟ یعنی چه قانونی داریم که از زن در خانه حمایت کند؟ وقتی قانون کار محدود به کارگاه های بالای ده نفر است با اجرای طرح دورکاری جایگاه زنان در قانون کار چه می شود؟ همانطور که گفته شد، کار زنان در بیرون از خانه فقط فایده مادی ندارد بلکه باعث افزایش سرمایه اجتماعی هم می شود. وقتی امکان کار زنان در عرصه عمومی محدود شود در عرصه خصوصی هم کاری اتفاق نمی افتد. چراکه به خاطر فرهنگ مردسالاری که داریم کار زنان در خانه جدی گرفته نمی شود. اولین وظیفه زن در خانه می شود همان کارهای سنتی. یعنی دیگران از زن انتظار دارند که کارخانگی را بر دیگر کارها مقدم کند.

مینو مرتاضی لنگرودی: من هم موافقم که کار کردن برای زنان ایرانی فقط به معنی کسب درآمد مادی نیست بلکه اعتبار اجتماعی زنان و احساس اعتماد به نفس آنها را هم افزایش می دهد. بنابراین طرح دورکاری باید اختیاری باشد. و البته باید

در نظر داشته باشیم که دورکاری در همه مشاغل اصلاً امکان پذیر نیست. همچنین توجه داشته باشیم که در کشورهای توسعه یافته هدف از دورکاری این بوده که زمان فراغت بیشتری در اختیار مردم قرار بگیرد تا بتوانند حضور با کیفیت تری در عرصه مشارکت های عمومی و اجتماعی داشته باشند، نه اینکه به حاشیه رانده شوند و از مشارکت باز بمانند. مثلاً در فنلاند وقتی که می گویند ۵۰ درصد وزرا باید زن باشند، یعنی حق مشارکت زنان در عرصه عمومی لحاظ شده به همین خاطر در آنجا می توان خوشبین بود که دورکاری زمان بیشتری به زنان می دهد تا اتفاقاً بتوانند حضور کیفی تری در عرصه عمومی داشته باشند.

بدین ترتیب حتی اگر فرض کنیم دستمزد و درآمد زنان عادلانه و مناسب باشد ولی اجازه حضور در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی نداشته باشند مسلم است که در حق زنان اجحاف شده است. به همین دلیل معتقدم دولتی که دموکراتیک نیست و زیرساخت های مناسب الکترونیک را هم ندارد، مطرح کردن دورکاری برای زنان صرفاً حربه ای است تا یکه تازی خود را افزایش دهد.

هاله صفرزاده: همانطور که گفتیم دورکاری را نمی توان به طور انتزاعی و خارج سیستم از سرمایه داری جهانی قرن بیست و یکمی بررسی کرد. دولت های فنلاند و کانادا هم که دورکاری را اجرا کرده اند، اصلاً به این دلیل نبوده که دلشان برای زنان سوخته است. بلکه این دولت ها به دلیل منطق نظام سرمایه داری نیاز به ارتش ذخیره کار دارند. و به زنان این گونه نگاه می کنند که این ارتش ذخیره کار باید همیشه باشد تا بتواند دستمزدها را پایین نگاه دارد. تازه مساله بحران های بیکاری وسیع که در سال های اخیر گریبان کشورهای سرمایه داری را گرفته نیز نباید نادیده گرفت. حالا اگر درباره ایران بخواهیم مثال بزنیم، ما در شهرستان های مختلف با دختران جوان مصاحبه کردیم که با دستمزدهای بسیار اندک کار می کردند، مثلاً ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان. وقتی از آنها می پرسیدیم که با این دستمزد پایین چرا همچنان حاضرید تن به کار بدهید، اکثراً می گفتند که محیط خانه برای شان قابل تحمل نیست. یعنی فشاری که فرهنگ مردسالارانه سنتی در خانه به زنان تحمیل کرده وارد می کند علاوه بر فشار اقتصادی باعث می شود که زنان و دختران بخواهند به هر قیمتی بیایند و بیرون از خانه کار کنند.

اما این مساله که دورکاری باعث می شود که برای برخی زنان خشونت در محیط کار کاهش پیدا کند، نه درست نیست. من هم موافقم که خشونت جنسی در محیط کار باعث می شود برخی زنان دورکاری را انتخاب کنند. مثلاً با دختر جوانی صحبت می کردم که کار دست دوزی روی لباس را انجام می داد، می گفت دوست ندارد که در تولیدی کار کند، چون محیط تولیدی ها مناسب نیست، بنابراین ترجیح می داد که داخل خانه کار کند. اما، به نظرم ترویج این انتخاب، اشتباه است. باید در نظر بگیریم که زنان نیاز و حق دارند که در جامعه حضور داشته باشند و اگر جامعه امن نیست، نباید صورت مسئله را پاک کنیم. باید محیط را امن کنیم. بنابراین، ما به عنوان فعالان اجتماعی، باید در تحلیل هایمان حتماً به این نکته توجه کنیم که یکی از دلایلی که زنان تن به دستمزد پائین می دهند و کارفرمایان دستمزد را پایین نگه می دارند، فشارهای مردسالاری و سنتی است.

نکته دیگر اینکه، سرمایه داری طی سال های اخیر در کل جهان دارد سعی می کند واحدهای تولیدی را کوچک و کوچک تر کند. همین سیاست طبق برنامه های صندوق بین المللی پول در ایران هم دارد اجرا می شود. کوچک کردن دولت هم به نظرم ذیل همین برنامه است. و طرح دورکاری هم به نظرم در همین راستا است. یعنی اگر دارند اصرار می کنند که این طرح اجرا شود، نسخه ای است که بانک جهانی و سایر نهادهای سرمایه داری نولیبرال برای ما پیچیده است. خوب، کوچک کردن واحدهای تولیدی باعث می شود که نیروی کار در کنار هم قرار نگیرند و در نتیجه قدرت چانه زنی و اعتراضی اش کاهش پیدا کند. در نهایت با دستمزد کمتر سود بیشتری را عاید سرمایه دار سازد. در مصاحبه ای که با کارگران یک تولیدی داشتیم، متوجه شدیم که کارفرما پنج آپارتمان مجزاء اجاره کرده و در هر کدام یک قسمت از کار را انجام می دهد. مثلاً در یک آپارتمان برش می زند، در یکی دوخت را انجام می دهد، در دیگری اتوکاری و بسته بندی و غیره. در هر آپارتمان ۵ تا ۶ کارگر مشغول به کار بودند در حالی که اگر همه یک جا بودند، می شد حدود ۳۰ نفر. وقتی جدا از هم هستند همبستگی کاهش پیدا می کند و به جای آن رقابت میان شان زیاد می شود. اما اگر همه با هم باشند می شوند یک نیروی بالقوه اعتراض. این موضوع به ضرر زنان هم هست. وقتی زنان در یک کارگاه ۵۰ نفره باشند، قدرت چانه زنی بیشتری دارند تا در یک تولیدی کوچک. در واقع این سیاست کوچک سازی که تحت عناوین زیبایی هم اجرا می شود و توسط متخصصان هم تبلیغ می شود، هدفش این است که دستمزد نیروی کار را کاهش دهد.

ناهید کشاورز: در برنامه های توسعه هم متأسفانه نگاه ابزاری به زنان حاکم است. مثلاً در برنامه های اول و دوم توسعه یکی از هدف ها را کنترل مولید برای کاهش جمعیت در نظر گرفته بودند. جالب است که یکی از راه هایی که در آن برنامه ها برای کنترل جمعیت پیشنهاد شده بود، تشویق زنان به اشتغال بود. یعنی آن زمان چون توانایی تامین نیازهای جمعیت در

حال افزایش را نداشتند و کنترل جمعیت مورد نیاز بود، اشتغال زنان تبلیغ می شد و خوب بود. اما حالا جالب است که دولت آقای احمدی نژاد به دلیل تغییر سیاست های توسعه ای مدعی است که کنترل جمعیت اشتباه بوده و جمعیت ایران باید زیاد شود. بعد به همین دلیل خانه نشینی زنان را از طریق دورکاری پیگیری می کنند. یعنی می خواهند زنان را از عرصه عمومی به این بهانه حذف کنند.

مینو مرتاضی لنگرودی: به نظر من یک تناقض جدی در برنامه های دولت پیش آمده؛ چراکه از یک طرف نیاز به کار زنان دارند، یعنی در امتداد رویکرد خصوصی سازی نیروی کار ارزان زنان مورد نیاز دولت است. اما یک مسئله دیگر این است که به لحاظ ایدئولوژیک که برآمده از همان فرهنگ پدرسالار است، مخالف حضور زنان در عرصه عمومی و قدرت گرفتن زنان هستند. این دوگانگی باعث شده که طرح هایی مانند دورکاری و حمایت از مشاغل خانگی را مطرح کنند.

کاوه مظفری: موضوع دیگری که به نظر می رسد به طور جدی تحت تاثیر دورکاری قرار بگیرد، موضوع اوقات فراغت است. یعنی اینکه بین زمان کار و فراغت تمایزی باشد. البته این تمایز برای مردان همیشه مشخص تر بوده است. در شکل کلیشه ای کارخانه محل کار بوده و خانه محل فراغت و استراحت. اما در مورد زنان همیشه مرز این دو نامشخص بوده است. بویژه در مورد زنان شاغل بعد از کار مزدی وقتی به خانه باز می گردند مجالی برای فراغت نیست. این زنان دوباره باید وظایف خانگی را انجام دهند. حالا سوال این است که با اجرای طرح دورکاری وضعیت فراغت زنان چه می شود؟ چگونه می توانند زمان فراغت خود را از زمان کار متمایز کنند؟

مینو مرتاضی لنگرودی: در ایران اوقات فراغت تعریف مشخصی ندارد. اغلب مراد از اوقات فراغت یعنی بیکاری و ول گشتن و سر را به ترتیبی گرم کردن. حالا وقتی به زنان می رسیم وضعیت خیلی آشفته تر هم می شود. متأسفانه زیرساخت های لازم برای گذران اوقات فراغت زنان در جامعه ما وجود ندارد. بویژه بعد از انقلاب به دلیل تفکیک جنسیتی نسبت ورزشگاه ها، کتابخانه ها و کلاً اماکن عمومی برای مردان خیلی بیشتر از زنان است. بعلاوه اوقات فراغت ما هم همانطوری که در مورد تنبلی و کار کردن گفتم خیلی سطحی شده و به تفریح و سرگرمی محدود شده است. در حالی که اوقات فراغت باید در جهت ارتقاء کیفیت زندگی باشد.

کاوه مظفری: به عنوان آخرین سوال واکنش عموم زنان در قبال دورکاری را چطور ارزیابی می کنید؟ چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت؟

مینو مرتاضی لنگرودی: من فکر می کنم با توجه به فرهنگ گریز از کار و مسئولیت که در جامعه ایران جا خوش کرده است واکنش زنان در کوتاه مدت خوشحالی و شغف به خاطر فرار از کار است. همچنین ممکن است این توهم هم برایشان ایجاد شود که در جریان دورکاری می توانند جای دیگری هم شاغل شوند و کار بیشتری انجام دهند. اما در درازمدت یکی از جدی ترین پیامدهای دورکاری برای زنان می تواند افسردگی ناشی از کم تحرکی و دور بودن از اجتماع باشد. در حال حاضر هم میزان افسردگی در بین زنان زیاد است به طوری که طبق آمار، ۶۵ درصد زنان خانه دار افسرده هستند. در عین حال، دورکاری می تواند روابط مجازی را بر روابط واقعی انسان ها در تعامل های رو در رو سیطره ببخشد.

الهام هومین فر: پیش بینی من این است که دورکاری به تدریج باعث کاهش شدید دستمزد و حتی بیکاری می شود. در نتیجه شاغلان بخش دولتی که دورکار می شوند به تدریج جذب بخش خصوصی خواهند شد. حتی این فرایند ممکن است با هدایت دولت از طریق ایجاد شرکت های خصوصی وابسته انجام شود. در واقع، از این طریق نیروی کار به تدریج دستمزدش کاهش پیدا می کند و تحت قراردادهای تبعیض آمیز به خدمت شرکت های پیمانکار به اصطلاح خصوصی در می آید که زیر مجموعه دولت است. اما متأسفانه از آنجایی که نیروی کار در ایران متشکل نیست و با طرح هایی مثل دورکاری بیشتر هم پراکنده می شود در نتیجه امکانات واکنش و اعتراض هم از این طریق برایش کم می شود.

هاله صفرزاده: به چند نکته باید اشاره کرد: ۱- طرح دورکاری در مورد همه ی مشاغل قابل اجرا نیست و تنها قشر کوچکی از زنان کارمند را در بر خواهد گرفت. در نتیجه به حذف بخش بزرگی از زنان از همه عرصه های اجتماعی منجر نخواهد شد. ۲- این طرح در مورد کارهایی است که با کامپیوتر انجام می شود و کامپیوتر خود وسیله ای ارتباطی بسیار قوی ای است در نتیجه در زمینه قطع کردن ارتباط اجتماعی زنان به ضد خودش تبدیل خواهد شد. ۳- زنان ما در همه ی عرصه ها نشان داده اند که حصر پذیر نیستند، حتی در سخت ترین شرایط. زمانی همین مردسالاران و سرمایه سالاران

می‌خواستند زنان را از تحصیل محروم کنند، اما میزان ۶۰ درصدی دانشجویان دختر مثال بارزی از تلاش مدام و بی وقفه و موفق زنان ماست، در مقابل هر نوع محرومیت و انقیاد مردسالارانه، برای دست یابی به شرایط بهتر و انسانی تر زندگی. مساله اصلی آن تفکری است که نمی‌خواهد واقعیت وجودی زنان را در عرصه‌های اجتماعی به هر نحو بپذیرد، اما دیده‌ایم که در این زمینه همیشه تیرشان به سنگ خورده است و این بار هم همان خواهد شد. گسترش نهادهای مردمی، (بخصوص نهادهای زنان) و مشارکت در فعالیت های اجتماعی راه مقابله با این دیدگاه است که زنان ما بد طولایی در این زمینه دارند.